

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای

مرکزی

بهزاد دولتی* و شوکوروف بوری اوراکویچ**

تاریخ پذیرش: ۱۶ تیر ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۱

با توجه به روند رو به رشد جهانی شدن اقتصاد و لزوم حضور گسترده‌تر کشورها در صحنه‌های بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای در دو دهه گذشته، به نحو گسترده‌ای به عنوان یکی از اجزای اصلی در دستور کار سیاست‌گذاران و دولت‌مردان کشورها قرار گرفته است. در راستای دستیابی به این هدف، کشور ما نیز به دنبال توسعه روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد. بررسی شاخص‌های اقتصادی کشورهای مذکور، بیاتگر موقعیت نسبتاً مناسب آنها از لحاظ جمعیت، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و شاخص‌های اجتماعی می‌باشد که می‌توانند بازار مناسبی برای جذب صادرات و تأمین‌کننده نیازهای وارداتی ایران باشند. در مقاله حاضر توان و ظرفیت تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی، با تکیه بر شاخص اکمال تجاری و ظرفیت تجاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد ایران و کشورهای مذکور در تمامی بخش‌های تجاری فیمابین، از اکمال تجاری بهره‌مند نبوده و درجه تشابه در کالاهای وارداتی و نیازهای وارداتی دو طرف از یکدیگر بسیار اندک می‌باشد. برآوردها نشان می‌دهند پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با کشورهای مورد مطالعه قریب به ۸۹۹ میلیون دلار می‌باشد. لذا توصیه می‌گردد توسعه همکاری‌ها تنها به برخی بخش‌ها که ایران در آنها دارای توان و پتانسیل صادراتی لازم می‌باشد، شامل بخش‌های صنعتی، نفت و پتروشیمی محدود گردد.

واژه‌های کلیدی: آسیای مرکزی، اکمال تجاری، ظرفیت تجاری، همگرایی اقتصادی، فرصت‌های همگرایی.

۱. مقدمه

علاقه به همگرایی اقتصادی از دیرباز در جهان وجود داشته است، ولی روند تحولات جهانی، بخصوص پس از جنگ جهانی دوم، این گرایش را تشدید نمود چرا که کشورها دانسته‌اند یکی از راهکارهای توسعه، همکاری با سایر کشورها در قالب همگرایی می‌باشد. این همگرایی‌ها در اشکال گوناگون و درجات متفاوت و در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی و یا ترکیبی از آنها شکل گرفته‌اند. همگرایی اقتصادی شاید مهمترین نوع همکاری منطقه‌ای باشد چرا که کشورهای جهان به تنهایی تمام عوامل تولید را در اختیار نداشته و در این زمینه، با محدودیت‌های بسیاری مواجه‌اند. از سوی دیگر، همگرایی اقتصادی موجب افزایش رفاه، ثروت و کسب قدرت می‌شود و به دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی که جزو اهداف و منافع ملی و حیاتی کشورها می‌باشند، کمک‌های شایانی می‌نماید.

کشور ایران، به لحاظ جغرافیایی در منطقه آسیای جنوب غربی قرار گرفته و منطقه مذکور شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد. این منطقه به جهت برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک (شامل برخورداری از ذخایر نفت، گاز و بطور کلی انرژی، بازار و تجارت، خطوط مواصلات بین‌المللی و احیای جاده ابریشم که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا است) و نیز ژئوکالچرال (منطقه فرهنگی) کانون توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته‌است. وجود مشترکاتی شامل: مرزهای آبی و زمینی، عوامل فرهنگی و مذهبی، منابع طبیعی، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی هستند که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) را برای ایجاد منافع بیشتر برای هر یک از طرفین، ایجاد می‌نماید. کشور ایران با کشورهای مورد مطالعه تنها در یک موافقت‌نامه، موافقت‌نامه سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) که در سال ۲۰۰۳ به امضا رسیده است، همکاری دارد. کشور قرقیزستان در بین کشورهای آسیای مرکزی، با عضویت در ۹ موافقت‌نامه تجارت ترجیحی دو یا چند جانبه، بیشترین حضور را در اینگونه موافقت‌نامه‌ها داشته‌است و کشور قزاقستان نیز با حضور در ۸ موافقت‌نامه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد.

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۳۷

ساختار مقاله حاضر بدین گونه است که پس از مقدمه، وضعیت کشورهای آسیای مرکزی و ایران از لحاظ شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و تجاری بررسی می‌شود. در بخش دوم مطالعات تجربی و متدولوژی پژوهش بیان می‌گردد و در بخش سوم نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص‌های پتانسیل و اکمال تجاری ارائه گشته و در بخش پایانی نیز به جمع‌بندی نتایج و ارائه توصیه‌های سیاستی پرداخته می‌شود.

۲. درآمدی بر شاخص‌های کلان اقتصادی ایران و کشورهای آسیای میانه

بررسی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و تجاری یکی از راه‌های شناسایی نقاط ضعف و قوت کشورها می‌باشد و در شکل‌گیری ارتباط و همکاری بین آنها تأثیرگذار می‌باشد. در جدول ۱، وضعیت ایران و کشورهای آسیای مرکزی از لحاظ شاخص‌های اقتصادی (جمعیت، تولید ناخالص داخلی، درآمد ملی سرانه و خالص سرمایه‌گذاری خارجی)، نشان داده شده است. جمعیت کشورها نمایانگر اندازه بازار آنها بوده و عامل تعیین‌کننده‌ای برای تصمیمات اقتصادی هر کشور می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ کشورهای آسیای مرکزی در مجموع دارای ۶۳/۵ میلیون نفر جمعیت بوده‌اند و سهمی حدود ۱ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و پرجمعیت‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور در میان آنها به ترتیب از پاکستان (رتبه ۴۴) و ترکمنستان (رتبه ۱۱۶) می‌باشند. کشور ایران در سال مذکور با جمعیتی بالغ بر ۷۴ میلیون نفر و سهم ۱/۱ درصدی از جمعیت جهان، رتبه ۱۷ را در مقایسه با سایر کشورهای جهان کسب نموده است.

در میان شاخص‌های اقتصادی، تولید ناخالص داخلی (GDP) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مقدار این شاخص طور نسبی بیانگر سطح رفاه کشورها نیز می‌باشد و افزایش آن منجر به رشد اقتصادی بالاتری در کشورها می‌شود. مطابق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، ارزش تولید ناخالص داخلی در جهان حدود ۶۳۱۲۴ میلیارد دلار بوده و کشورهای آسیای مرکزی با ارزشی بالغ بر ۲۱۸ میلیارد دلار، سهمی حدود ۰/۳۴ درصد را در جهان کسب نموده‌اند. قزاقستان (رتبه ۵۰) و قرقیزستان (رتبه ۱۴۵) به ترتیب با ۱۴۹/۱ و ۴/۶ میلیارد دلار، بیشترین و کمترین تولید ناخالص داخلی را در بین کشورهای مذکور داشته‌اند. کشور ایران نیز با ایجاد ارزشی بالغ بر ۳۳۰ میلیارد دلار و سهم ۰/۵۲ درصدی، رتبه ۲۹ام را در جهان به خود اختصاص داده‌است. نکته قابل

۳۸ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال هفدهم شماره ۵۳

توجه این است که مقدار تولید ناخالص داخلی ایران از مجموع کشورهای آسیای مرکزی بیشتر می‌باشد.

مطابق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، درآمد ملی سرانه (GNI) در جهان به طور متوسط بالغ بر ۱۱۰۶۸ دلار بوده است. بررسی‌ها حاکی است در بین کشورهای آسیای مرکزی، بیشترین و کمترین درآمد ملی سرانه به ترتیب با ارزش ۱۰۷۷۰ دلار و ۲۰۷۰ دلار متعلق به کشورهای قزاقستان و قرقیزستان می‌باشد که به ترتیب رتبه‌های ۶۹ و ۱۳۴ را در جهان به خود اختصاص داده‌اند. در رتبه‌بندی جهانی، کشور ایران با درآمد ملی سرانه ۱۱۴۷۵ دلاری و کسب جایگاه ۶۲ام در جهان، جایگاه بهتری را در مقایسه با کشورهای آسیای مرکزی کسب نموده است.

جدول ۱. وضعیت شاخص‌های اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۰

کشور	جمعیت (میلیون نفر)			تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)			درآمد ملی سرانه (دلار)			سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)		
	۲۰۱۰	رتبه	سهام	۲۰۱۰	رتبه	سهام	۲۰۱۰	رتبه	سهام	۲۰۱۰	رتبه	سهام
ایران	۷۴	۱۷	۱/۱	۳۳۰	۲۹	۰/۵۲	۱۱۴۷۵	۶۲	۳۶۱۷	۴۳	۰/۲۵	
قزاقستان	۱۶/۳	۶۲	۰/۲	۱۴۹/۱	۵۰	۰/۲۴	۱۰۷۷۰	۶۹	۱۰۷۶۸	۲۴	۰/۷۴	
قرقیزستان	۵/۴	۱۱۱	۰/۱	۴/۶	۱۴۵	۰/۰۱	۲۰۷۰	۱۳۴	۴۳۸	۱۰۷	۰/۰۳	
ناجیکستان	۶/۹	۱۰۰	۰/۱	۵/۶	۱۴۰	۰/۰۱	۲۱۴۰	۱۳۲	۱۶	۱۷۵	۰	
ترکمنستان	۵	۱۱۶	۰/۱	۲۰	۹۸	۰/۰۳	۷۴۹۰	۸۵	۲۰۸۳	۵۲	۰/۱۴	
ازبکستان	۲۸/۶	۴۴	۰/۴	۳۹	۷۸	۰/۰۶	۳۱۱۰	۱۲۱	۸۲۲	۸۳	۰/۰۶	
جهان	۶۸۹۴/۴			۶۳۱۲۳/۹			۱۱۰۶۸۸		۱۴۵۷۵۱۵			

Source: <http://data.Worldbank.org/indicator>

شاخص دیگری که می‌تواند بیانگر توان اقتصادی کشورها باشد، شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ است. براساس آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۴۵۸ میلیارد دلار در جهان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شده است و کشورهای آسیای مرکزی در سال مذکور ارزشی بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند و در این بین قزاقستان با سرمایه‌گذاری خارجی به ارزشی حدود ۱۱ میلیارد دلار و کسب رتبه ۲۴ در رده‌بندی جهانی،

1. Foreign Direct Investment Index (FDI)

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۳۹

بهترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. کشور ایران نیز ارزشی بالغ بر ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته و رتبه ۴۳ را در بین کشورهای جهان کسب نموده است. در جدول ۲، وضعیت ایران و کشورهای آسیای مرکزی از لحاظ شاخص‌های اجتماعی (رقابت‌پذیری، کسب و کار و درجه دخالت دولت در اقتصاد) ارائه شده است. بنیاد هریتج هر ساله شاخصی را به منظور نشان دادن میزان دخالت دولت در اقتصاد و رقابت اقتصادی در کشورها ارائه می‌کند. رتبه‌های شاخص درجه دخالت دولت در اقتصاد (آزادی اقتصادی (FEI)) به عنوان معیاری برای نشان دادن شرایط کشورها در زمینه رقابت بین‌المللی مطرح شده و نمایانگر سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی و همچنین سطح رفاهی مردم یک کشور است. براساس جدول مذکور، کشور قزاقستان با احراز عدد ۶۲/۱ در شاخص درجه دخالت دولت و رتبه ۷۸، در مقایسه با سایر کشورهای گروه خود و ایران از موقعیت بهتر یعنی آزادی اقتصادی بیشتری برخوردار می‌باشد. بعد از قزاقستان کشورهای قرقیزستان (۶۱/۱) و تاجیکستان (۵۳/۵) به ترتیب رتبه‌های ۸۳ و ۱۲۸ را به خود اختصاص داده‌اند. کشور ایران در بین کشورهای مورد مطالعه، از لحاظ این شاخص وضعیت نامساعدتری داشته و با احراز شاخص ۴۲/۱، رتبه ۱۷۱ را در جهان کسب نموده است.

شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) با ارائه مجموعه‌ای از فاکتورهای مختلف و متعدد که هر یک ضمن برخورداری از ضرایب متفاوت، منعکس‌کننده جنبه خاصی از رقابت‌پذیری هستند، به تبیین این پدیده می‌پردازد. هدف شاخص رقابت‌پذیری جهانی این است که با نگاهی عملگرا و دقیق و با هدف کمک به سیاست‌گذاران، مشکلات فراروی ارزیابی رقابت‌پذیری کشورها را از میان بردارد. در این شاخص فاکتورهای تأثیرگذار بر رقابت‌پذیری به ۱۲ گروه تحت عنوان «ارکان رقابت‌پذیری» اعم از «نهادها»، «زیرساخت‌ها»، «ثبات در حساب‌های دولتی»، «بهداشت و آموزش ابتدایی»، «آموزش عالی و حرفه‌ای»، «کارآیی بازار کالا»، «کارآیی بازار نیروی کار»، «پیشرفته بودن بازار مالی»، «آمادگی تکنولوژیک»، «اندازه بازار»، «پیشرفته بودن نگاه‌های تجاری» و «نوآوری» تقسیم می‌شوند. طبق تعریف مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشور مشخص می‌کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت

-
1. Freedom Economic Index (FEI)
 2. Global Competitive Index (GCI)

۴۰ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال هفدهم شماره ۵۳

اقتصادهایی که رقابت پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان خود ایجاد می‌کنند. شاخص مذکور بین دو حد ۱ تا ۵ درجه بندی می‌شود که عدد ۵، بیشترین رقابت پذیری در اقتصاد کشور و عدد ۱، حداقل رقابت پذیری در کشور را نشان می‌دهد. براساس جدول ۲، در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱، کشور ایران از لحاظ شاخص مذکور با احراز عدد ۴/۲۶ و رتبه ۶۲، موقعیت مناسب تری نسبت به کشورهای آسیای مرکزی دارد و بعد از آن کشور قزاقستان (۴/۱۸) و تاجیکستان (۳/۷۷) به ترتیب با رتبه ۷۲ و ۱۰۵ در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. وضعیت شاخص‌های اجتماعی ایران و کشورهای آسیای مرکزی

کشور	شاخص آزادی اقتصادی*		شاخص رقابت پذیری جهانی** (GCI)		شاخص فضای کسب و کار***	
	۲۰۱۱		شاخص سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲		۲۰۱۲	۲۰۱۳
	رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	رتبه
ایران	۱۷۱	۴۲/۱	۶۲	۴/۲۶	۱۴۴	۱۴۵
قزاقستان	۷۸	۶۲/۱	۷۲	۴/۱۸	۵۶	۴۹
قرقیزستان	۸۳	۶۱/۱	۱۲۶	۳/۴۵	۶۹	۷۰
تاجیکستان	۱۲۸	۵۳/۵	۱۰۵	۳/۷۷	۱۴۷	۱۴۱
ترکمنستان	۱۶۹	۴۳/۶	-	-	-	-
ازبکستان	۱۶۳	۴۵/۸	-	-	۱۶۸	۱۵۴

*Source: www.Heritage.org

**Source: www.Weforum.org/gcr

***Source : www.Worldbank.org

بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ گزارشی را درخصوص چارچوب بهبود فضای کسب و کار (DB^۱) و شناسایی چالش‌های موجود جهت ارتقای وضعیت فضای کسب و کار می‌پردازد. در گزارش منتشره، شاخص‌های کمی مربوط به مقررات کسب و کار و حمایت از حقوق مالکیت در میان ۱۸۳ کشور جهان مورد مقایسه قرار می‌گیرد. براساس گزارش مذکور کشور قزاقستان در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب با کسب رتبه‌های ۵۶ و ۴۹، بهترین جایگاه را در بین کشورهای مورد مطالعه داشته است. براساس جدول ۲، کشور ایران در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۴۴م را در بین ۱۸۳

1. Doing Business Index (DB)

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۴۱

کشور جهان داشته و در سال ۲۰۱۳ با ۱ پله تنزل رتبه ۱۱۴۵ام را در جهان کسب نموده است که نشانگر طولانی و پرهزینه بودن فرایند شروع و انجام یک کسب و کار در کشور می‌باشد. مطابق جدول ۳، نامناسب بودن جایگاه ایران از لحاظ شاخص فضای کسب و کار به دلایل نامناسب (هزینه‌بر و زمان‌بر) بودن اکثر زیرشاخص‌ها به جز شروع کسب و کار، اخذ اعتبار و الزام آور بودن قراردادها می‌باشد.

جدول ۳. وضعیت زیرشاخص‌های شاخص فضای کسب و کار سال ۲۰۱۳

کشور	شروع و کسب کار	اخذ مجوز	استفاده از منابع (مرفهین برق)	ثبت مالکیت	اخذ اعتبار	حمایت از سرمایه‌گذاران	پرداخت مالیات	تجارت فرامرزی (ورثستگی)	احلال فعالیت	الزام آور بودن قراردادها
ایران	۸۷	۱۶۶	۱۶۳	۱۶۵	۸۳	۱۵۰	۱۲۹	۱۴۳	۱۲۶	۵۳
قزاقستان	۲۵	۱۵۵	۸۰	۲۸	۸۳	۱۰	۱۷	۱۸۲	۲۸	۵۵
قرقیزستان	۱۵	۶۷	۱۷۷	۱۱	۱۲	۱۳	۱۶۸	۱۷۴	۴۷	۱۵۵
تاجیکستان	۷۷	۱۸۰	۱۸۱	۸۲	۱۸۰	۲۵	۱۷۵	۱۸۴	۴۳	۷۹
ازبکستان	۹۰	۱۵۲	۱۶۷	۱۳۸	۱۵۴	۱۳۹	۱۶۱	۱۸۵	۴۶	۷۳

Source : www.Worldbank.org

* بانک جهانی، آماری در ارتباط با شاخص فضای کسب و کار کشور ترکمنستان ارائه نداده است.

مطابق با آمار گزارش شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، کشورهای آسیای مرکزی بالغ بر ۶۹ میلیارد دلار صادرات و ۴۲ میلیارد دلار واردات از سایر کشورهای جهان داشته‌اند. کشور ایران نیز در سال مذکور دارای ۵۴/۷ میلیارد دلار واردات و ۸۳/۸ میلیارد دلار صادرات بوده است. ارزش صادرات و واردات کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۰ به ایران به ترتیب، ۱/۳۴ میلیارد دلار و ۰/۶۹ میلیارد دلار بوده و سهم آن از صادرات و واردات جهانی کشورهای مذکور به ترتیب، ۱/۹ درصد و ۱/۶ درصد بوده است.

جدول ۴. وضعیت تجارت ایران و کشورهای آسیای مرکزی سال ۲۰۱۰ (میلیارد دلار)

کشور	واردات جهانی	واردات از ایران	صادرات جهانی	صادرات به ایران
ایران	۵۴/۷	-	۸۳/۸	-
قزاقستان	۲۴	۰/۰۳	۵۷/۲	۱/۰۹
قرقیزستان	۳/۲	۰/۰۱	۱/۵	۰/۰۱

۰/۰۴	۱	۰/۱۸	۳/۱	تاجیکستان
۰/۰۹	۲/۶	۰/۴۱	۴/۸	ترکمنستان
۰/۱۰	۶/۷	۰/۰۶	۷/۱	ازبکستان
-	۱۳۹۴۵/۷	-	۱۳۷۴۵/۱	جهان

Source: <http://wits.worldbank.org/wits>

۳. مروری بر مطالعات تجربی و متدولوژی پژوهش

بسیاری از محققان از جمله بالاسا^۱ (۱۹۶۵) در مطالعات تجربی خود با کمک گرفتن از تئوری‌های مختلف تجارت بین‌الملل به معرفی شاخص‌ها و معیارهایی پرداخته‌اند که ظرفیت‌های تجاری کشورها را در حوزه تجارت جهانی آشکار می‌کند. براساس دیدگاه وی میزان ظرفیت تجاری کشورها متأثر از تعدادی عوامل می‌باشد که برخی آنها با توجه به منابع اطلاعاتی و آماری موجود، قابل اندازه‌گیری است و برخی دیگر از عوامل غیر قابل اندازه‌گیری می‌باشد. بر این اساس، بالاسا توانسته است ظرفیت تجاری کشورها را با بررسی الگوهای تجاری کشورها و در سطح بخشی و کالایی در تجارت بین‌المللی آشکار نماید. از سویی محاسبه ظرفیت تجاری با تکیه بر میزان ظرفیت عوامل تولیدی به چند دلیل مشکل است. عمده‌ترین آن، عدم دسترسی به اطلاعات به روز و قابل اعتماد آن‌هم بصورت جزئی و در سطح کالایی، در زمینه تولید کالا و منابع و امکانات در دسترس کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. برخی مطالعات انجام گرفته در تعیین ظرفیت تجاری کشورهای در حال توسعه از طریق ظرفیت‌های تولیدی عبارتند از: مطالعات موردی مکسول و استم^۲ (۱۹۹۱)، گرینوی و میلنر^۳ (۱۹۸۷) و بگواتی و دیگران^۴ (۱۹۶۷) اشاره کرد.

روش‌های مورد استفاده برای تعیین ظرفیت تجاری، عمدتاً متکی بر دو روش می‌باشند: روش متکی بر مطالعات اقتصادسنجی و روش مقایسه ساختار تجاری با استفاده از شاخص‌های ریاضی. این روش‌ها امکان تجارت و میزان ظرفیت تجاری میان کشورها را به صورت دو یا چندجانبه آشکار می‌کنند. در پژوهش حاضر تلاش بر آنست تا میزان اکمال تجاری و ظرفیت تجاری ایران در تجارت با کشورهای آسیای مرکزی محاسبه و کالاهایی که در صادرات یا واردات تعیین‌کننده هستند، مشخص گردد. در برخی مطالعات اخیر در حوزه تجارت بین‌الملل، تلاش شده است

1. Balassa, Bella (1965)
 2. Maxwell & Stamp (1991)
 3. Greenway & Milner (1987)
 4. Bhaqwati & Bharadwaj (1967)

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۴۳

اکمال تجاری کشورها را با استفاده از شاخص‌های «مزیت نسبی آشکار شده»^۱ که متکی بر داده‌های پس از تجارت^۲ و مبتنی بر ارزش صادرات و واردات کشورها در سطح کالایی و مطابق با روش تحلیل عملکردی می‌باشند، برآورد نمایند. برای این منظور شاخص درایسدل پیش‌گفته در این بخش به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{X_{iw}^k \cdot M_{ww}^t - M_{iw}^t \cdot M_{jw}^k}{X_{iw}^t \cdot M_{ww}^k - M_{iw}^k \cdot M_{jw}^t} \right]$$

چنانچه طرفین صورت و مخرج شاخص‌های سهم صادراتی و وارداتی کشور i و زمدل مذکور، به ترتیب بر سهم صادرات جهانی ($\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}$) و واردات جهانی ($\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}$) ضرب گردد، آنگاه به

رابطه مزیت نسبی آشکار شده بالاسا^۳ خواهیم رسید. بدین ترتیب خواهیم داشت:

$$C_{ij} = \sum_{k=1}^n \left[\frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t} \cdot \frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t} \cdot \frac{M_{ww}^t}{M_{ww}^k}} \cdot \frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} \cdot \frac{M_{jw}^t}{M_{jw}^k} \cdot \frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t} \right] \quad (1)$$

از سویی دیگر می‌توان وزن سهم صادراتی رابطه مذکور را به صورت ذیل نوشت:

$$\frac{M_{ww}^t - M_{iw}^t}{M_{ww}^k - M_{iw}^k} = \frac{M_{ww}^t (1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t})}{M_{ww}^k (1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k})} = \frac{M_{ww}^t}{M_{ww}^k} \left(\frac{1 - \frac{M_{iw}^t}{M_{ww}^t}}{1 - \frac{M_{iw}^k}{M_{ww}^k}} \right)$$

با توجه به فرمول پیشنهادی بالاسا، مزیت نسبی (رابطه (۲)) و عدم مزیت نسبی (رابطه (۳)) کشورها عبارت است از رابطه:

$$RCA_i^k = \frac{\frac{X_{iw}^k}{X_{iw}^t}}{\frac{X_{ww}^k}{X_{ww}^t}} \quad (2)$$

1. Revealed Comparative Advantage (RCA)

2. EX-POST

3. Balassa, B. (1986) and Balassa B. (1965)

$$RMA_j^k = \frac{\frac{M_{jw}^k}{M_{jw}^t}}{\frac{M_{ww}^k}{M_{ww}^t}} \quad (3)$$

از آنجائی که سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات جهانی بسیار پایین می‌باشد، رابطه مذکور

$$\left(\frac{(1 - M_{iw}^t / M_{ww}^t)}{(1 - M_{iw}^k / M_{ww}^k)} \right)$$

را می‌توان تقریباً معادل عدد یک فرض کرد در

این صورت شاخص پیشنهادی درایسدل را می‌توان معادل رابطه زیر دانست:

$$C_{ij} \equiv \sum_{k \in S} [RCA_i^k \cdot \theta^k \cdot RMA_j^k]$$

در این رابطه θ^k معادل X_{ww}^k / X_{ww}^T می‌باشد.

شاخص مذکور در بسیاری از موضوعات مربوط به یکپارچگی منطقه‌ای شامل مطالعات ولراس و جانستون^۱ (۲۰۰۱)، جهت بررسی تغییرات ساختار بخش کشاورزی ایالات متحده با شرکای تجاری آن^۲، کالفرت و فلوریس^۳ (۲۰۰۴) جهت بررسی موافقت‌نامه آزاد تجاری کشورهای عضو اتحادیه اروپا با مرکوسور و ریدرادو ولونکانزا^۴ (۲۰۰۵) جهت بررسی زمینه‌های توسعه تجارت در آمریکای لاتین و حسن پور^۵ (۱۳۸۳) جهت معرفی فهرست بخش‌های پیشنهادی و درخواستی ایران در تجارت با هر یک از کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری از شاخص مذکور استفاده شده است.

اکمال تجاری

برای تخمین اکمال تجاری ایران در صادرات کالا به هر یک از کشورهای منطقه و بر حسب صادرات کالاهای دارای مزیت از رابطه ذیل استفاده گردیده است:

$$C_{irj} \equiv \sum_k [RCA_{ir}^k \cdot \theta^k \cdot RMA_j^k]$$

1. Vollrath Thomasl. And Johnston Pauler

۲. اعضای موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی: نفتا (NAFTA) و موافقت‌نامه تجاری آزاد کانادا و آمریکا

3. Calfat, German, Flores JR, Renato (2004)

4. Redrado, Martin, Lacunza, Hernan (2005), A New Approach to Trade Development in Latin America, Inter-American Development Bank

۵. حسن پور، یوسف (۱۳۸۳)، فهرست کالاهای درخواستی و پیشنهادی ایران در تجارت با کشورهای عضو سازمان کنفرانس

اسلامی تحت نظام ترجیحات تجاری، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۴۵

در این رابطه θ^k معادل $\frac{X_{ww}^{kcs}}{X_{ww}^s}$ می‌باشد که سهم صادرات جهانی کالای k از کل صادرات جهانی بخش s (گروه کالایی) می‌باشد. در این رابطه RCA_{ij}^k مزیت نسبی آشکار شده ایران و RMA_j^k عدم مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرف‌های تجاری (j) و C_{ij} شاخص اکمال تجاری ایران در صادرات کالاهای دارای مزیت با هر یک از کشورهای منطقه (j) می‌باشد. مضافاً اینکه در این پژوهش اکمال تجاری برحسب کدهای شش رقمی طبقه‌بندی نظام هماهنگ (HS)^۱ برآورد گردیده است. برای بررسی اکمال تجاری ایران در واردات کالا از هر یک از کشورهای منطقه و بر حسب کدهای کالایی (HS) تجارت از رابطه ذیل استفاده گردید:

$$C_{jir} \equiv \sum_k [RCA_j^k \cdot \theta^k \cdot RMA_{ir}^k]$$

در این رابطه RMA_{ir}^k عدم مزیت نسبی آشکار شده ایران و RCA_j^k مزیت نسبی آشکار شده هر یک از طرف‌های تجاری و C_{jir} شاخص اکمال تجاری کالای k در واردات غیرنفتی ایران از هر یک از کشورهای منطقه (j) است.

ظرفیت تجاری

جهت تخمین ظرفیت صادراتی دوجانبه ایران با هر یک از کشورهای آسیای مرکزی از رابطه زیر استفاده می‌گردد:

$$IXP_{ij}^k = \text{MIN}(X_{iw}^k, M_{jw}^k)$$

$$i = 1 \text{ ایران } j = 1, 2, 3, 4, 5$$

$$X_{iw}^k = \text{ارزش صادرات ایران به جهان در کالای } k$$

$$M_{jw}^k = \text{ارزش واردات کشورهای آسیای مرکزی از جهان در کالای } k$$

$$IXP_{ij}^k = \text{ارزش ظرفیت صادراتی ایران در تجارت با کشورهای آسیای مرکزی در کالای } k$$

بدین ترتیب ابتدا ارزش صادرات و واردات جهانی ۵ کشور آسیای مرکزی برحسب کدهای شش رقمی HS از بانک نرم‌افزاری آنکساد تحت عنوان PC/TS استخراج می‌گردد و سپس ارقام صادرات و واردات کشورها بصورت دوجانبه و مشترک استخراج و حداقل آن به عنوان حداکثر ظرفیت تعیین می‌گردد. سپس با استفاده از رابطه زیر ظرفیت صادراتی ایران در تجارت با هر یک از کشورها تجمیع و بصورت خلاصه در جداول ارایه می‌گردد.

$$POT_{ij} = \sum_{k=1}^m IXP_{ij}^k$$

جهت تخمین پتانسیل وارداتی دوجانبه ایران با هر یک از کشورهای آسیای مرکزی از رابطه ذیل استفاده گردید:

$$IMP_{ij}^k = \text{MIN}(M_{iw}^k, X_{jw}^k)$$

$$i = 1, j = 1, 2, 3, 4, 5$$

X_{jw}^k = ارزش صادرات کشورهای آسیای مرکزی به جهان در کالای k

M_{iw}^k = ارزش واردات ایران از جهان در کالای k

IMP_{ij}^k = ارزش پتانسیل وارداتی کشورهای آسیای مرکزی در تجارت با کشور ایران در کالای k

۴. سنجش شاخص و تحلیل نتایج

در جدول ۵، وضعیت اکمال تجاری ایران در صادرات و واردات با کشورهای آسیای مرکزی نشان داده شده است. براساس جدول مذکور، شاخص اکمال تجاری ایران در صادرات با کشورهای مورد مطالعه طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲، از رقم ۰/۲۱ واحد فراتر نرفته و بطور متوسط ۰/۱۶ واحد بوده است که از رقم آستانه‌ای (عدد ۱) فاصله زیادی دارد. ضمن اینکه متوسط نرخ رشد سالانه شاخص مذکور در طول دوره مورد بررسی ۰/۶- بوده است. براساس جدول ۵، کالاهای صادراتی ایران به کشورهای آسیای مرکزی مشابه کالاهای وارداتی کشورهای مذکور از سایر شرکای تجاری خود نمی‌باشد. کشورهای مورد مطالعه قریب به ۰/۳۲ درصد از کل واردات جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و این رقم در سال ۲۰۰۹ به ۰/۳۹ درصد نیز افزایش یافته بود و در طول سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲، سهم مذکور بطور متوسط ۹/۹ درصد افزایش داشته است. علیرغم افزایش سهم این کشورها از واردات جهانی کالا، این کشورها سهم کمی از صادرات غیرنفتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند و در طول سال‌های مورد مطالعه نیز بطور چشمگیری کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۲، ۶/۴ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران به آسیای مرکزی صادر شده که با فراز و نشیب‌هایی به رقم ۲/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. مطابق جدول ۵، ایران در واردات کالا نیز با کشورهای مورد مطالعه از عدم اکمال تجاری برخوردار است. در همین ارتباط سهم این کشورها در واردات ایران از رقم ۱/۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۰/۶ درصد در سال

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۴۷

۲۰۱۰ کاهش یافته است. این درحالی است که در سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۰/۰۵ درصد از صادرات غیرنفتی جهانی را کشورهای آسیای مرکزی به خود اختصاص داده‌اند که در طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۲ بطور متوسط سالانه ۱۳/۷ درصد افزایش داشته و در سال ۲۰۱۰ به ۰/۱۳ درصد بالغ گشته است.

جدول ۵. وضعیت اکمال تجاری در تجارت با کشورهای آسیای مرکزی

وضعیت	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	متوسط نرخ رشد سالانه (%)
شاخص اکمال تجاری ایران در صادرات کالا با واردات آسیای مرکزی	۰/۰۷	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۱	۰/۱۵	-۰/۰۶
سهم آسیای مرکزی از واردات جهان (درصد)	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۲۷	۰/۳۳	۰/۳۶	۰/۳۹	۰/۳۲	۹/۹
(۱) صادرات ایران به کشورهای آسیای مرکزی (میلیون دلار)	۲۹۲/۲	۳۶۷/۱	۳۰۲/۹	۴۱۲	۴۳۸/۱	۵۳۲	۵۵۱/۶	۶۹۰/۸	۷۱۷/۲	۱۲/۳
(۲) صادرات غیرنفتی ایران به جهان (میلیون دلار)	۴۵۸۴/۳	۵۹۳۶/۹	۶۸۱۷	۱۰۷۱۰/۴	۱۶۱۳۳/۹	۱۵۲۶۶/۳	۱۶۸۲۸/۴	۲۱۸۸۷/۳	۲۶۳۱۱/۸	۲۴/۳
سهم (۱) از (۲) درصد	۶/۴	۶/۲	۴/۴	۳/۸	۲/۷	۳/۵	۳/۳	۳/۲	۲/۷	-۹/۷
شاخص اکمال تجاری ایران در واردات کالا با صادرات آسیای مرکزی	۰/۳	۰/۳	۰/۵	۰/۶	۰/۴	۰/۸	۰/۶	۰/۵	۰/۴	۳/۸
سهم آسیای مرکزی از صادرات جهان (درصد)	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۱	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۳	۱۳/۷

۴۸ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران سال هفدهم شماره ۵۳

۷/۲	۸۸۰	۸۳۰	۹۵۴/۳	۷۳۱/۲	۶۲۵/۸	۵۵۷/۲	۵۶۶/۳	۴۵۴/۶	۳۵۵/۴	واردات ایران از کشورهای آسیای مرکزی (میلیون دلار)	(۱)
۱۲/۴	۵۵۴۷۷/۵	۵۴۸۸۹/۷	۵۵۱۴۶/۷	۴۸۴۵۰/۳	۴۱۱۴۸/۱	۳۹۴۳۱/۸	۳۵۰۷۲/۴	۲۶۲۵۴/۹	۲۱۹۳۵	واردات ایران از جهان (میلیون دلار)	(۲)
-۶/۵	۰/۶	۱/۵	۱/۷	۱/۵	۱/۵	۱/۴	۱/۶	۱/۷	۱/۶	سهم (۱) از (۲) درصد	

ماخذ: محاسبات تحقیق

در جدول ۶، وضعیت کالاهای دارای اکیال تجاری ایران در صادرات و واردات با کشورهای آسیای مرکزی ارائه شده است. براساس جدول مذکور، فهرست قابل صدور قرقیزستان به ایران، شامل تعداد ۱۲۳ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت این کشور برحسب این تعداد کالا، ۱۷/۳ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با این کشور، ۶۹/۲ میلیون دلار برآورد می‌شود. فهرست قابل صدور تاجیکستان به ایران نیز، شامل تعداد ۶۵ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت این کشور برحسب این تعداد کالا، ۳۴/۹ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با این کشور، ۸۴/۴ میلیون دلار برآورد می‌شود. فهرست قابل صدور قزاقستان به ایران نیز، شامل تعداد ۶۲ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت این کشور برحسب این تعداد کالا، ۱۳/۱ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با این کشور، ۲۴۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. فهرست قابل صدور ازبکستان به ایران نیز، شامل تعداد ۵۹ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت این کشور برحسب این تعداد کالا، ۶۲/۹ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با این کشور، ۱۹۵ میلیون دلار برآورد می‌شود و فهرست قابل صدور ترکمنستان به ایران نیز شامل تعداد ۳۲ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت این کشور برحسب این تعداد کالا، ۱۰ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با این کشور، ۱۲۹ میلیون دلار برآورد می‌شود.

براساس جدول ۶، فهرست قابل صدور ایران به قزاقستان شامل تعداد ۴۴ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت نسبی ایران برحسب این تعداد کالا، ۱۵۳/۳ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۴۹

صادراتی ایران در تجارت با این کشور، ۲۸۵ میلیون دلار برآورد می‌شود که تنها ۰/۴ درصد از پتانسیل مذکور تحقق یافته است. فهرست قابل صدور ایران به قرقیزستان، شامل تعداد ۴۱ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت نسبی ایران برحسب این تعداد کالا، ۹/۱ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با این کشور ۴۰۴ میلیون دلار برآورد می‌شود که تنها ۰/۲ درصد از پتانسیل مذکور تحقق یافته است. فهرست قابل صدور ایران به ازبکستان نیز شامل تعداد ۳۲ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت نسبی ایران برحسب این تعداد کالا، ۲۲/۸ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با این کشور ۵۸/۳ میلیون دلار برآورد می‌شود که ۶/۴ درصد از پتانسیل مذکور تحقق یافته است.

جدول ۶. وضعیت کالاهای دارای تجارت مکرری ایران در صادرات و واردات با کشورهای آسیای مرکزی (هزار دلار)

کشورها	تعداد کالاهایی که ایران با هر یک از کشورهای دارای اکتال تجاری در واردات کالا می‌باشد	متوسط شاخص مزیت نسبی آن دسته کالاهایی که کشورهای دارای اکتال تجاری در صادرات کالا می‌باشد	تعداد کالاهایی که ایران با هر یک از کشورهای دارای اکتال تجاری در صادرات کالا می‌باشد	متوسط شاخص مزیت نسبی آن دسته کالاهایی که کشورهای دارای اکتال تجاری در واردات کالا می‌باشد	متوسط پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با کشورها	متوسط پتانسیل وارداتی ایران در تجارت با کشورها
قزاقستان	۶۲	۱۳/۱	۴۴	۱۵۳/۳	۲۸۴۵۰۶/۲	۲۴۰۰۶۳۳
قرقیزستان	۱۲۳	۱۷/۳	۴۱	۹/۱	۴۰۳۹۴۰/۳	۶۹۲۰۷
تاجیکستان	۶۵	۳۴/۹	۲۹	۲۷/۴	۱۳۲۸۱۷/۸	۸۴۸۱۱
ترکمنستان	۳۲	۱۰	۲۶	۲۴/۴	۱۹۴۶۷/۹	۱۲۸۵۵۳
ازبکستان	۵۹	۶۲/۹	۳۲	۲۲/۸	۵۸۳۰۹/۸	۱۹۴۵۲۴

ماخذ: محاسبات تحقیق

فهرست قابل صدور ایران به تاجیکستان نیز، شامل تعداد ۲۹ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت نسبی ایران برحسب این تعداد کالا، ۲۷/۴ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با این کشور ۱۳۳ میلیون دلار برآورد می‌شود که ۲/۹ درصد از پتانسیل مذکور تحقق یافته است و فهرست قابل صدور ایران به ترکمنستان نیز شامل تعداد ۲۶ قلم کالا می‌باشد که متوسط شاخص مزیت نسبی ایران برحسب این تعداد کالا، ۲۴/۴ واحد می‌باشد و ارزش پتانسیل صادراتی ایران در تجارت با این کشور ۱۹/۵ میلیون دلار برآورد می‌شود که ۱۳/۲ درصد از پتانسیل مذکور تحقق یافته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

الف - خلاصه نتایج

با توجه به هدف مقاله حاضر که بررسی و تعیین فرصت‌های همگرایی اقتصادی ایران و کشورهای آسیای مرکزی بوده است، در بخش اول مقاله به بررسی مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی ایران و کشورهای مذکور پرداخته شد و در قسمت بعدی مطالعات تجربی و متدولوژی پژوهش ارائه شده و در بخش پایانی شاخص‌های اکمال تجاری و ظرفیت تجاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی محاسبه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج آن بیان گردیده است.

مطالعه حاضر نشان داده است که کشورهای آسیای مرکزی با جمعیتی بالغ بر ۶۲ میلیون نفر و مساحتی حدود ۴ میلیون کیلومتر مربع دارای تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۲۱۸ میلیارد دلار می‌باشد. این در حالی است که کشور ایران از لحاظ جمعیتی (۷۴ میلیون نفر) و وسعت (۱۶۲۹ هزار کیلومتر مربع) و همچنین تولید ناخالص داخلی (۳۳۰ میلیارد دلار) نسبت به مجموع کشورهای آسیای مرکزی از جایگاه بهتری برخوردار می‌باشد. لیکن با مقایسه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای آسیای مرکزی و ایران این نکته آشکار می‌شود که کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته‌اند که ۱۰ میلیارد دلار آن توسط کشور قزاقستان سرمایه‌گذاری شده است. کشور ایران نیز در سال مذکور تنها ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نموده است که نسبت به کشورهای آسیای مرکزی به جز قزاقستان، از موقعیت خوبی برخوردار می‌باشد. بررسی شاخص‌های اجتماعی نشان‌دهنده آن است که وضعیت برخی کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان از لحاظ دو شاخص درجه دخالت دولت در اقتصاد و شاخص فضای کسب و کار نسبت به ایران بهتر بوده است. از لحاظ شاخص رقابت‌پذیری جهانی ایران وضعیت مناسب‌تری را نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه دارا می‌باشد.

بررسی سطح تجارت جهانی ایران و کشورهای آسیای میانه حاکی است که ارزش واردات و صادرات کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۰ به ترتیب برابر با ۴۲/۲ میلیارد دلار و ۶۹ میلیارد دلار بوده است و سهم ایران در واردات و صادرات جهانی کشورهای مذکور به ترتیب ۰/۶۹ درصد و ۱/۳۴ بوده است. ارزش واردات و صادرات جهانی ایران نیز در سال ۲۰۱۰ به ترتیب بالغ بر ۵۴ میلیارد دلار و ۸۳ میلیارد دلار بوده است. نتایج حاصل از محاسبه شاخص اکمال تجاری

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۵۱

حاکی است، ایران با کشورهای آسیای مرکزی در واردات و صادرات دارای اکمال تجاری نمی‌باشد و علیرغم افزایش سهم کشورهای مذکور از واردات جهانی، سهم اندکی از صادرات غیرنفتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند و همچنین سهم اندکی از نیازهای وارداتی ایران را تأمین می‌نمایند چرا که کالاهای وارداتی ایران با کالاهای صادراتی کشورهای آسیای مرکزی مشابه نیستند. ایران بیشترین اکمال تجاری را در بین کشورهای مورد مطالعه با کشور قزاقستان و در ۱۲۳ قلم کالا دارد و ظرفیت مربوط به این تعداد کالا بیش از ۶۹ هزار دلار بوده‌است و به طور متوسط ارزش ظرفیت وارداتی ایران در واردات از کشورهای آسیای مرکزی بیش از ظرفیت صادراتی می‌باشد. ایران در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۸ به طور متوسط بیشترین ظرفیت صادراتی با کشورهای آسیای مرکزی را به ترتیب در کالاهای کد ۲۷۱۰۱۹ روغن موتور (قرقیزستان و تاجیکستان)، کد ۳۹۰۱۲۰، گرید لوله: به صورت پودر (پلی اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴٪ یا بیشتر) (قزاقستان)، کد ۳۹۰۷۶۰ گرید نساجی (ازبکستان) و کد ۶۸۰۲۲۱، سایر سنگهای تراش پذیر یا سنگهای ساختمانی و اشیاء ساخته شده از این سنگها، (ترکمنستان) بوده و بیشترین ظرفیت وارداتی از کشورهای آسیای مرکزی نیز به ترتیب در کالاهای کد ۱۰۰۱۹۰ سایر گندم و مخلوط گندم و چاودار (قزاقستان)، کد ۳۹۰۱۲۰ گرید لوله: به صورت پودر (پلی اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۹۴٪ یا بیشتر) (ازبکستان)، کد ۲۷۱۰۱۱ روغن‌های سبک و فرآورده‌ها: بنزین (ترکمنستان)، کد ۱۰۰۳۰۰ جو (تاجیکستان) و کد ۸۷۰۸۹۹ سایر اجزاء و قطعات جعبه دنده برای سواری، سواری کار، وانت و تراکتور کشاورزی (قرقیزستان) بوده است.

ب- پیشنهادهای سیاستی

با توجه به وضعیت مناسب کشورهای آسیای مرکزی از لحاظ جمعیت، تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، می‌تواند بازارهای خوبی برای جذب صادرات و تأمین نیازهای وارداتی ایران باشند. نتایج بررسی روند شاخص اکمال تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲، وضعیت نامناسبی را منعکس می‌کند و حاکی است که تجارت ایران با کشورهای مذکور دارای اکمال تجاری نمی‌باشد و علیرغم اینکه ارزش ظرفیت وارداتی ایران از کشورهای آسیای مرکزی بیش از ظرفیت صادراتی ایران بوده و واردات ایران از کشورهای مذکور افزایش یافته ولی با این وجود سهم کشورهای مذکور از واردات جهانی ایران طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲، کاهش یافته است. تولیدات کشورهای آسیای مرکزی بیشتر شامل محصولات کشاورزی و مواد خام معدنی و بی‌نیاز از تجهیزات پیچیده، می‌باشد لذا ایران با بهبود تکنولوژی و برنامه‌ریزی‌های لازم می‌تواند از

این موضوع استفاده لازم را به عمل آورد. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که کشورهای آسیای مرکزی از ظرفیت‌های خود استفاده بهتری داشته و توانسته‌اند به بازار ایران نفوذ بیشتری داشته باشند در حالی که بخش زیادی از ظرفیت ایران تحقق نیافته مانده است. بنابراین برای ایجاد بازار رقابتی با کشورهای مذکور، توصیه می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور با توجه به مزیت‌ها و تشابهات موجود دوطرف تجاری و همچنین قدرت خرید و تولید ناخالص داخلی مناسب آنها، زمینه را برای استفاده از ظرفیت‌های بلااستفاده در تجارت با کشورهای مذکور بخصوص قزاقستان فراهم آورند. لذا راهبردهای زیر جهت حضور مستمر در بازار کشورهای آسیای میانه پیشنهاد می‌گردد:

- هر گونه توسعه همگرایی تجاری بین ایران و کشورهای آسیای میانه در غالب موافقت‌نامه ترجیحات تجاری در حوزه کالایی بایستی منوط به توسعه بخشی باشد. به بیان دیگر فهرست کالاهای پیشنهادی ایران در تجارت با کشورهای مورد مطالعه، تنها بخش‌های محدودی که دارای بیشترین ظرفیت صادراتی می‌باشند مانند بخش‌های صنایع پتروشیمی و معدنی را شامل گردد.
- با توجه به احاطه شدن کشورهای آسیای میانه توسط خشکی‌ها، لذا پرتردترین خطوط حمل و نقل و ترانزیت کالا برای تجارت فیما بین، خطوط زمینی و هوایی است. بنابراین ایجاد و توسعه زیرساختهای حمل و نقل هوایی و زمینی لازم و ضروری است.
- با بررسی موارد بالا باید منافع منطقه‌گرایی با کشورهای آسیای میانه شامل: گسترش بازارها، بهبود تراز تجاری، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و ثبات و امنیت منطقه‌ای و... را ملاکی برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک قرار داد.

منابع

الف- فارسی

- اشرف‌زاده، ح. (۱۳۸۷)، مقایسه مزیت رقابتی ایران و رقبای منطقه‌ای و امکان‌پذیری رشد مبتنی بر توسعه صادرات ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بیدآباد، ب. (۱۳۷۵)، بررسی عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت بر بخش صنعت، وزارت صنایع و معادن، سازمان مدیریت صنعتی.

بررسی فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای آسیای مرکزی ۵۳

توکل، ا. (۱۳۷۶)، تحلیل سریهای زمانی همگرایی و همگرایی یکسان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

حسن‌پور، ی. (۱۳۸۴)، سنجش اكمال تجاری کشورهای عضو OIC، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

حسینی، س. ش. (۱۳۸۶)، سنجش مزیت نسبی و رقابتی صنعت چرم ایران در بازارهای جهانی. بررسی‌های بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

ب- انگلیسی

Anderson J. E. & Wincoop E. Van (2003), "Gravity with Gravitas: A Solution to the Border Puzzle", *American Economic Review*, vol. 93(1), pp. 170-92.

Balassa, B. (1965), "Trade Liberalization and Revealed Comparative Advantage", *Manchester School*, 33 (2), 99-123.

Balassa, B. (1986), "Intra-Industry Specialization: A Cross-Country Analysis", *European Economic Review*, vol. 30.

Calfat, German & JR Renato Flores (2004), *The EU-MERCOSUI Free Trade Agreement: Quantifying Mutual Gains*, Institute for Development Studies and Management

Helmets, Christian & Jean-Michel Pasteels (2006), "Assessing Bilateral Trade Potential at the Commodity Level: An Operational Approach", ITC Working Paper November 2006, 10-12.

Institute Penyelidikan (2007), *The Study On Export Competitiveness Of Malaysian Electrical and Electronic (E&E) Sector*, Malaysia, Universiti Penyelidikan

International Trade Centre Unctad/Wto (Itc)(2004), *Eco: Intra-Regional Trade Opportunities in Pharmaceutical Products*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی